

لینک های مفید



عضویت
در خبرنامه



کارگاه های
آموزشی



سرویس
ترجمه تخصصی
STRS



فیلم های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سرویس های
ویژه



مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی

روشنک هوشیارگر

سطح ۳ حوزه علمیه و کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی

Roshanakhoshy@yahoo.com

چکیده

رفتار جهادی در اقتصاد مفهومی ارزشی در فرهنگ اسلامی است که بیانگر تلاش و مجاهدت مقدس در عرصه های مختلف اقتصادی است در دهه های گذشته نیز شاهد حضور این مفهوم به همراه موضوعاتی از قبیل جهاد نظامی، جهاد سازندگی، جهاد علمی، جهاد فرهنگی و... بودیم

در حالی که کشورهای غربی درصدد تحمیل الگوی غربی برای توسعه و نوسازی اند، مقام معظم رهبری با تشریح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بسترهای لازم برای تحقق توسعه بومی کشور را فراهم نمودند. الگوی اسلامی - ایرانی مدلی از توسعه است که با نفی توسعه به شیوه غربی، و تاکید بر توانایی های و ارزش های بومی جهت پیشرفت، قابل تحلیل است. عزم ملی می تواند به بهره وری و استفاده بهینه از منابع ملی و بومی بیانجامد و با استفاده از عزم ملی می توان زمینه های توسعه بومی را فراهم نمود. توسعه ای که با عزم ملی حاصل شود، توسعه ای خودمحور و مبتنی بر باورهای ملی، قومی و اسلامی یک ملت است.

مدیریت جهادی عنصر کلیدی در تحقق الگوی اسلامی پیشرفت است که بدون این مدیریت نمی توان به الگوی اسلامی - ایرانی توسعه نائل شد. عنصر جهادی در تحقق توسعه ایرانی - اسلامی، نوعی توسعه بدیل است که منحصر به امت اسلامی است؛ چرا که جهاد یکی از ویژگی های تفکر اسلامی و بنابر روایات اسلامی، دری از درهای بهشت است. برعکس، در الگوی غربی بیشترین تاکید بر جنبه مادی توسعه و عدم توجه به مقوله ارزش ها است و از آنجا که جهاد بخشی از معنویات امت اسلامی است، بنابراین در الگوی توسعه غربی به مانند دیگر مولفه های ذهنی - ارزشی جایی ندارد

کلیدواژه : مدیریت جهادی، مدیریت اقتصادی، الگوی اسلامی پیشرفت، عزم ملی



مدیریت جهادی:

اگر عزم ملی مفهومی کلان و مشتمل بر منافع ملی است، ایده مدیریت جهادی نوعی تاکتیک برای دستیابی به منافع ملی، که همان استقلال اقتصادی است، محسوب می شود. مدیریت جهادی یک ویژگی منحصر به فرد است که مشتمل بر احساس و عقلانیت است. عقلانیت و احساس نیز در قالب سنتزی بنام تغییر تجلی می یابد. سه ضلع این مدیریت به شکل زیر است: ضلع اول: عقلانیت / ضلع دوم: احساس / ضلع سوم: تغییر

مدیریت جهادی مشتمل بر تلاش های پیگری و وجدانه در اداره امور کشوری و عمدتاً به عملکرد مسئولان اجرایی برمی گردد؛ اما در اقتصاد مقاومتی این ایده تمامی آحاد جامعه و مدیریت فردی را نیز در برمی گیرد. مدیریت جهادی مشتمل بر دو جنبه ذهنی و عینی است که جنبه ذهنی آن شامل ارزش های معنوی و خدمت فی سبیل الله برای تعالی بشریت و شکوفایی استعداد های بشری است و جنبه عینی آن به طراحی، سیاستگذاری و اجرای عقلانی در حوزه کارکردی است.

تجربه جنگ هشت ساله ایران و عراق و تلاش های عمومی مردم برای دفاع از کشور، نوعی مدیریت جهادی بود که در تمامی عرصه ها حاکم بود. با این تجربه می توان گفت فرهنگ و اقتصاد ایران با مدیریت جهادی روی ریل توسعه قرار می گیرد.

ابتکار حضرت امام (ره) نیز نمونه اعلی مدیریت جهادی بود. با صدور فرمان حضرت امام در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۵۸، انبوه امت همیشه در صحنه، به دعوت آسمانی آن حضرت لبیک گفته و برای ترمیم خرابی روستاها، تشکل جهادی به وجود آوردند.

جهادگران با عشق به ولایت و خدمت به مردم مسلمان و به منظور تحقق آرمانهای آن بزرگوار در همه صحنه های انقلاب حضور یافتند. تجربه سال همت مضاعف و جهاد اقتصادی از یک سو و تاکید مقام معظم رهبری بر ابعاد اقتصاد مقاومتی از سوی دیگر، بیانگر این موضوع است که مدیریت جهادی تاکتیکی در خدمت اقتصاد مقاومتی است. سبک رهبری مقام معظم رهبری به عنوان نمونه اعلی مدیریت، بیانگر عزم جدی ایشان به اعتلای استقلال کشور است. نقش نهادهای حکومتی در مدیریت جهادی به مراتب بیش از دیگر افراد است. در عزم ملی با تبیین منافع ملی مشخص شد که نقش مردم در نمودار توسعه از پائین به بالا است؛ اما در مدیریت جهادی، نقش حکومت در اجرایی کردن اقتصاد و فرهنگ مقاومتی به مراتب بیشتر است. در اینجا باید یادآور شد که نهادهای حکومتی شامل قوای سه گانه است. مجلس، دولت و قوه قضائیه در این سال باید تلاش های وجدانه ای در عرصه قانونگذاری، اجرایی و قضائی داشته باشند تا بتوان به چشم انداز های اقتصاد مقاومتی امیدوار بود. در رابطه نهادهای حکومتی و مردم نیز باید گفت که شاخص ایشار مبنای عملیات قرار گیرد. به این معنا مدیریت جهادی باید همسو و در راستای تحقق اصل منافع ملی قرار گیرد. در چنین همسویی، امکان تحقق سنتز ذکر شده یعنی «تغییر» وجود دارد. تغییر به این معناست که از وابستگی به درآمدهای نفتی در بلندمدت کاسته شود و در کوتاه مدت صادرات نفتی برای مصارف مورد نیاز ارزی کشور اختصاص یابد و در میان مدت زمینه های اقتصاد چند محصولی یا به عبارتی اقتصاد منهای نفت، فراهم شود.

مؤلفه اقتصاد:

مؤلفه های اقتصادی در فضای بعد از جنگ تحمیلی و روند بازسازی اقتصادی مورد توجه سیاستگذاران کشور بود. بازسازی اقتصادی کشور اولویت مؤلفه اقتصاد را ایجاب می کرد. با ورود به دهه ۱۳۹۰، مؤلفه اقتصادی معنایی متفاوت با بازسازی اقتصادی پیدا کرد. محرک های بازسازی اقتصادی با اولویت های اقتصادی ۱۳۹۰ هم متفاوت بود. در حالی که عامل جنگ ایران و عراق علل وجودی اولویت بازسازی اقتصادی بود، تحریم های ظالمانه شورای امنیت، اتحادیه اروپا و کنگره آمریکا، عامل اصلی اولویت اقتصاد در دهه ۱۳۹۰ است.



نکته مهمتر در مولفه های اقتصادی نیز، توجه جدی مقام معظم رهبری به بسترهای اقتصاد مقاومتی است، که این بسترها در نامگذاری سال های اصلاح الگوی مصرف، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، همت مضاعف و حماسه اقتصادی فراهم شده است.

همچنان که گفته شد، مقام معظم رهبری در دهه ۱۳۷۰ با تاکید بر اقتصاد چند محصولی و گذر از اقتصاد تک محصولی، هشدارهای لازم را مجدانه دنبال نموده است؛ اما واقعیت امر این بود که دستگاههای اجرایی در راستای تحقق این استراتژی گام چندان جدی برداشته اند.

در اینجا است که مساله تهدید یا فرصت بودن تحریم، وارد ادبیات سیاسی- اقتصادی ایرانیان شد. نگاهی به روندهای گذشته بیانگر این موضوع است که ایرانیان دست بالایی در مبارزات تحریمی نفت دارند و اقتصاد مقاومتی نمونه ای بارز از این مبارزات تحریمی است.

اقتصاد مقاومتی راهبردی برای گذر از اقتصاد تک محصولی است. اقتصاد مقاومتی یک راهبرد است که در عین تحلیل مسائل اقتصادی، بر تحلیل های فرهنگی هم استوار است. راهبرد اقتصاد مقاومتی متفاوت از نمونه های اقتصاد آزاد اسمیت و اقتصاد دولتی مارکسیستی می باشد.

این اقتصاد بر مقاوم سازی نقش مردم در چرخه اقتصاد استوار است. در این چرخه مردم به خودی خود یک عنصر تاثیرگذار محسوب می شوند که فعالیت آنان در چارچوب اقتصاد ملی قابل تحلیل است. اقتصاد مقاومتی با توجه به جمعیت ۷۵ میلیونی ایران، قابلیت تاثیرگذاری مثبت بر روند معادلات قدرت را دارد. این قابلیت با توجه به حضور خیل عظیمی از ایرانیان سرمایه دار در فراسوی مرزهای ایران، ظرفیت های سرمایه سازی را بهتر از هر اقتصاد دیگری فراهم می نماید. اعمال تحریم ها با توجه به این زمینه سرمایه سازی، خود نوعی فرصت سازی است. با توجه به اینکه جمعیت جوان ایران عمدتاً تحصیلکرده و یک جمعیت نخبه گرا است؛ تحقق اقتصاد مقاومتی با شتاب بیشتری پیش خواهد رفت. اقتصاد مقاومتی در چنین روندی با افزایش مثبت شاخص های اقتصادی در میان مدت مواجه خواهد شد. افزایش رشد اقتصادی، موازنه مثبت تجاری، بهره وری بخش تولید، افزایش نقش مردم و کاهش بخش دولتی در میان مدت، از خروجی های این اقتصاد محسوب می شود.

اقتصاد مقاومتی همچنان که گفته شد، آمیزه ای از فرهنگ و اقتصاد است. در این سنتز، نوعی همسویی بین اقتصاد و فرهنگ وجود دارد. دو عنصر کلیدی مد نظر مقام معظم رهبری در سال جدید یعنی «عزم ملی» و «مدیریت جهادی» می تواند در شتاب گرفتن اقتصاد مقاومتی نقشی تسریعی داشته باشند. این دو عنصر با توجه به اهمیت و کارایی آن در اقتصاد سیاسی ایران قابل توجه اند.

تحقق رفتار جهادی در اقتصاد نیازمند تحول در فرهنگ اقتصاد

مادامی که خاستگاه فرهنگ اقتصاد بر پایه مفاهیمی همچون سود محوری، سرمایه سالاری و تکاثرگرایی استوار باشد و کارشناسان و مدیران اقتصاد وفادار به آن دسته معادلات باشند، جهاد اقتصادی مورد نظر نظام اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. به عبارت دیگر هرگاه مفاهیم، تعاریف، سیاست ها، قوانین، ساختارها، ضوابط و مدیریت اقتصاد، حول محور اقتصاد سرمایه داری تعریف شود نمی توان از تولید ثروت بر پایه جهاد، اخلاص و ایثار حرفی به میان آورد، پس می توان نتیجه گرفت، کیفیت و نوع فرهنگ حاکم بر اقتصاد است که می تواند پذیرای مفهوم ارزشی جهاد باشد یا نباشد. بر این اساس در بین متغیرهای نظام های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، فرهنگ اصلی ترین و با اهمیت ترین متغیر محسوب می شود لذا شکل دهنده و جهت دهنده به دیگر نظام ها از جمله اقتصاد است.

برای برون رفت جامعه اسلامی از تحریم، تهدیدات و جنگ اقتصادی دشمن علیه نظام اسلامی باید استراتژی اقتصادی را حول محور استراتژی جنگ فرهنگی باز تعریف نماییم در این صورت عرصه اقتصادی نیز همچون عرصه فرهنگ،



صحنه کارزار و جنگ می باشد. بنابراین اگر جنگ اقتصادی دشمن توسط مسئولین و مردم به طور صحیح درک نشده باشد و اگر جهاد اقتصادی صرفاً معطوف به رشد مادی و رفاه و بالارفتن قدرت مادی همچون کشورهای ژاپن و چین فرض شود مفهوم جهاد اقتصادی از معنای اصلی خود تهی شده و جهاد در معنایی به کار برده خواهد شد که بیشتر شبیه یک مسابقه است تا جنگ، در فصل جهاد و فرض هجمه و هجوم دشمن حتمی است و در آن صحنه درگیری جبهه حق و باطل با همدیگر در حال تقابل هستند، در صورت درک چنین مسئله ای است که می توان از همه آحاد، اصناف و اقشار انتظار داشت که در عرصه اقتصاد تا مرز شهادت فعالیت نمایند و تولید، توزیع و مصرف جامعه را در جهت برتری جبهه حق بر باطل به حرکت درآورند



نتیجه گیری

اقتصاد مقاومتی تجلی تحقق اقتصاد و فرهنگ در یک سنتز مبتنی بر باورها و ارزش از یک سو و تجلی عناصر موجود در قدرت ملی یک کشور در یک محدوده جغرافیایی از سوی دیگر است. این اقتصاد متشکل از دو جنبه عینی و ذهنی است که با عزم ملی و مدیریت جهادی می توان به همسویی اقتصاد و فرهنگ پی برد. اقتصاد مقاومتی تنها در پرتو فرهنگی تحقق می یابد، و از سابقه تمدنی بالا و از شاخص های خداباوری، مردم داری، ایثار و جهاد برخوردار می باشد. این شاخص در اقتصاد و فرهنگ ایران وجود دارد. تجربه جنگ هشت ساله و مقابله با تحریم های ظالمانه موید این واقعیت بود که ارانه الگوی ایرانی - اسلامی، بدیلی مناسب برای تحقق نوسازی، منهای الگوی غربی است.

با توجه به سند چشم انداز ۱۴۰۴، می توان از طریق عزم ملی و مدیریت جهادی در سال ۱۳۹۳، گامی مهم در تحقق قدرت منطقه ای ایران برداشت. نقشه راه یک ساله مقام معظم رهبری، تاکتیک مناسب دستیابی به سند چشم انداز ۱۴۰۴ است.

بعد فرهنگی موضع اقتصاد در تحقق این سند، حتی مهمتر از خود اقتصاد است. به این جهت تحقق سند چشم انداز نیازمند پیش زمینه های ذهنی و ایمان به باور هاست و با عزم ملی می توان به عملیاتی نمودن این باورها جامه عمل پوشاند.

لینک های مفید



عضویت
در خبرنامه



کارگاه های
آموزشی



سرویس
ترجمه تخصصی
STRS



فیلم های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سرویس های
ویژه